



باز و حشی سازی خرس سیاه در جنوب

حمید ظهرايي، معاون محيط زيست طبيعي و تنوع زيستي سازمان حفاظت محيط زيست با تاكيد بر نقش حياتي مشاركت مردم و تشكول هاي محيط زيستي، از ايجاد ساختارهاي دائمي و قانوني براي حفاظت مشاركتي از حيات وحش كشور خبر داد. به گزارش ايسنا، او اهميت ايجاد كميته هاي مشتراك با حضور متخصصان، دانشگاهيان و نمايندگان جامعه محلي براي مديريت و حفاظت گونه هاي در معرض خطر مانند ميش مرغ، يوزپلنگ و گوزن زرد، خرس سياه و پرندگان شكارى را برجسته كرد و گفت: «اين كارها با هدف مشاركت حداكثري متخصصان، جامعه محلي، برنامه محوري، ساختار سازي و تضمين استمرار حفاظت حتي پس از تغيير مديران انجام مي شود.» او گفت: «براي رها سازي يك گونه دست آموز شده نياز به باز و حشي سازي داريم و اين امر يك فعاليت علمي است و امكانات تخصصي و همكاري متخصصان و جامعه محلي را نياز دارد. براي باز و حشي سازي خرس سياه پروژه اي را در مرز كرمان و بندر عباس آغاز کرده ایم.»

ادامه سر مقاله

آينده را فرزندان ما و جوانان و کودکان مي سازند پس آنان ابزار تايمين نيازهاي امروز ما نيستند بلکه آنان آينده سازاني هستند که ما بايد براي آنان سرمايه گذاري کنيم. تايمين بهداشت، غذا، پوشاک، تفريح و از همه مهمتر آموزش آنان وظايفي عمومي است. به همين دليل مفهوم جديدي شکل گرفته به نام حقوق کودک. برخلاف گذشته کودک جزء اموال پدر و مادر نيست. او وديعه الهي و طبيعي نزد پدر و مادر است که بايد او را تايمين و براي ايفاي نقش آينده سازي آماده کنند. البته اين به معنای نادیده گرفتن حقوق کنونی کودک نيست. بدون احترام به حقوق و ارزش کنونی او آينده اي هم وجود نخواهد داشت. روز جهاني کودک و کنوانسيون جهاني کودک براي تايمين همين اهداف است و ايران هم عضوان است.

تفاوت اصلي جديد و قديم در اين است که در قديم فرزندان و آوري انتخاب پدر يا مادر نبود. بلکه يك رفتار طبيعي و عادي بود. هر چه به دنيا مي آمد خوش مي آمد. کودک و اولاد هم از عوامل ثروت و قدرت محسوب مي شدند. کودک پسر هم به ناچار راه پدر و پدر بزرگ را در پيش مي گرفت و کودک دختر هم مسير مادر و مادر بزرگ را مي پيمود. سرنوشت آنان از پيش تعيين شده بود. آنان پيچ و مهره هاي يك آينده مقدر بودند. در حالي که نقش کودکان امروز در آينده لزوماً هيچ نسبتی مشابه نقش پدران و مادران آنان در حال حاضر ندارد. به همين دليل است که برخلاف گذشته نسبت به صلاحيت پدر و مادر در نگهداري و تربيت کودک حساسيت فراواني وجود دارد. و چون گذشته نمي توان به صورت پيش فرض گفت که کودک متعلق به پدر است و در صورت طلاق حضانت او جبراً در اختيار پدر است. اتفاقاً امروز و به دلايل فراواني مادران شايشگي بيشترى براي حضانت کودکان را دارند. يکي از ابزارهاي مردان عليه زنان فشارى است که در طلاق براي گرفتن فرزند مي آورند و زنان حاضرند امتيازات زيادي دهند تا از اين حق برخوردار شوند.

يکي ديگر از حقوق مسلم کودک مسئله نفى خشونت عليه او است. شايد اين ضعيت در جوامع غربي به صورت افراطي در آمده باشد ولي عکس آن نيز در ايران وجود دارد که کودکان فاقد حفاظ امنيتي در برابر خشونت هستند. اگر اغلب کودکان خشونت نمي بينند به دليل اعتقاد والدين آنان است در حالي که قانون در اين زمينه حمايت موثري از کودک نمي کند. از مصاديق ديگري که باز هم در ايران و نسبت به گذشته تضعيف شده است منع اشتغال کودک است. اين کار مصداق بهره کشي آشکار است. گرچه پس از انقلاب اين شاخص بسيار بهبود يافت ولي در دهه گذشته به دليل مشکلات اقتصادي نفتتها از نظر تغذيه عقب گرد کرديم بلکه آمار يا حداقل نموده اي اشتغال کودکان نيز افزايش يافته است. مسئله مهم ديگر آموزش عمومي کودک است. بدون آموزش هيچ کس نمي تواند پا به دنياي کنوني بگذارد چه رسد به اينکه بخواهد آينده ساز شود. افزايش ترک تحصيل در مقطع ابتدائي و کاهش نمرات از مون هاي عمومي آنان نمودی از تنزل سطح و كيفيت آموزش کودکان است. ضمن اينکه فلسفه آموزشي در ايران بسيار عقب مانده و غير مرتبط با نيازهاي امروز و آينده است.

کودکی روی خط فقر

هشدار یونیسف درباره فقر کودکان و روایت معلمان و فعالان ایرانی از یک وعده غذای کودکان در روز و ترک تحصیل در خانواده های فرودست



کودک ـ معادل ۲۲ درصد جمعيت کودکان اين کشورها ـ در فقر نسبي پولي زندگي مي کنند؛ يعني درآمد خانواده آن ها به طور محسوسي، کمتر از ميانگين درآمد در کشورشان است و ممکن است توان مشارکت کامل در زندگي روزمره را محدود کند. اگر چه بين سال هاي ۱۳ تا ۲۰۲۲ فقر به طور ميانگين ۲/۵ درصد در اين کشور کاهش يافته، اما در بسياري موارد پيشرفت متوقف شده يا حتي عقب گرد داشته است. براي نمونه فرانسه، سويس و بریتانیا بيش از ۲۰ درصد افزايش فقر کودکان را تجربه کرده اند. در مقابل، اسلوني در همين مدت با اتکا بر سيستم قوي حمايت از خانواده و قوانين حداقل دستمزد، فقر را بيش از يك چهارم کاهش داده است.

▼ از سفره های خالی تا کلاس های نیمه تعطیل

شهریورماه گذشته وزير آموزش و پرورش اعلام کرد، شمار کودکان بازمانده از تحصيل در کشور به ۹۵۰ هزار دانش آموز رسیده است و اظهارات بعضی از مقامات مسئول مبنی بر بازماندگی دو ميليون دانش آموز از تحصيل را «کذب» خواند. منظور او، «فرشاد ابراهيم پور»، عضو کميسيون آموزش مجلس بود که مهرماه ۱۴۰۳ درباره آمار پنهان کودکان بازمانده از تحصيل گفت که در سال تحصيلي ۱۴۰۳-۱۴۰۴ حدود دو ميليون دانش آموز شتاب نام نه شده اند و مشکلات اقتصادي باعث شده تا والدين و دانش آموزان به مر حله ثبت نام نرسند. اين اظهارات در حالي بيان مي شود که در شرايط ايران، داده هاي مهم نظارت بر تغذيه، شناسايي مناطق نا امن، از نظر غذايي و هدف گيري دقيق گروه هاي آسیب پذير از طريق سياست گذاري آگاهانه تا حين زيادي مغفول مانده با تا کافي است. آخرين پيمائش انجام شده در هشت استان نا امن غذايي در سال ۱۴۰۰، کمبود گسترده زينک و ويتامين هاي A و D را در ميان کودکان زير پنج سال شناسايي کرده است.

معلم يکي از روستاهای دورافتاده گيلان از فقدان امکانات و ابزارهاي کمک آموزشي به «هم ميهن» مي گويد؛ امکاناتي که به گفته او براي شهر ي ها در دسترس است و براي دانش آموزان روستايي سد راه فرايند تعليم و تربيت مي شود: «من در روستايي محروم در گيلان، به امر آموزش مشغولم. کودکان از دسترسي به بخش عظيمي از تجهيزات آرمایشگاهي، وسايل ورزشي، کتابخانه و منابع متنوع آموزشي محروم اند. همچنين نبود معلم مستقل براي هر پا يه، فقدان معلم بهداشت مستقل و بهره گيري از ابزارهاي آموزشي کهنه و فرسوده، بر دشواري هاي اين مسير مي افزايد.» او مي گويد طبق تجربه خودش و همکارانش، الگوهايي از مشکلات در اين سال ها بارها تکرار مي شوند: «فقدان اصلي، فقدان اينترنت فعال و پويا براي ساکنان روستا به ويژه کودکانی است که از روستاهای مجاور و مسيرهای دور دست به مدرسه مي آيند. باتوجه به سياست هاي آنلاين شدن بخشی از آموزش،

هنگامي که دولت ها با اجراء سياست هاي مؤثر به پايان دادن به فقر کودکان متعهد مي شوند، دنيايي از فرصت ها را براي کودکان فراهم مي کنند.» طبق اين گزارش، بالاترين نرخ هاي فقر چندبعدي کودکان در آفريقاي جنوب صحرا و آسياي جنوبي مشاهده شده است. براي نمونه در چاد، ۶۴ درصد کودکان با دو يا تعداد بيشتر ي محروميت شديد روبه رو هستند و نزديک به يك چهارم آنان سه محروميت شديد بيا بيشتر دارند.

اين گزارش اما مي گويد بهداشت گسترده ترين شکل محروميت شديد است: در کشورهاي کم درآمد، ۶۵ درصد کودکان به تواليت دسترسي ندارند؛ اين رقم در کشورهاي با درآمد متوسط رو به پايين ۲۶ درصد و در کشورهاي با درآمد متوسط رو به بالا ۱۱ درصد است. نبود بهداشت کافي، خطر ابتلاي کودکان به بيماري ها را افزايش مي دهد. سهم کودکانی که در کشورهاي کم درآمد و با درآمد متوسط دست کم يك محروميت شديد را تجربه مي کردند، از ۵۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۴۱ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش يافته؛ کاهش چشمگيري که عمدتاً نتيجه در اولويت قرار دادن حقوق کودک در سياست هاي ملي و برنامه ريزي اقتصادي است. يونيسف نوشته ي اين حال پيشرفت متوقف شده است: جنگ، بحران هاي اقليمي و زيست محيطي، تغييرات جمعيتي، افزايش بدهي ملي و شكايفاي فناوري، همگي فقر را تشديد مي کنند. در همين حال کاهش بي سابقه در کمک هاي توسعه اي رسمي (ODA)، خطر افزايش محروميت کودکان را در کشورهاي کم درآمد و با درآمد متوسط بيشتر مي کند. اما نمونه هايي از پيشرفت امکان پذير است: تانزانيا بين سال هاي ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ توانست فقر چندبعدي کودکان را ۴۶ واحد درصد کاهش دهد؛ موفقيتي که بخشي از آن ناشي از پرداخت هاي نقدي حمايتي دولت و توانمندسازي خانواده هاي فقير در تصميم گيري مالي بود. همچنين در بنگلادش فقر کودکان طی همين دوره ۲۲ واحد درصد کاهش يافت؛ نتيجه ابتکارات دولتي براي افزايش دسترسي به آموزش و برق، بهبود كيفيت مسکن و سرمايه گذاري در خدمات آب و بهداشت که باعث شد دفع مدفوع در فضاي باز از ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۰، به صفر در سال ۲۰۲۲ برسد.

گزارش تاكيد مي کند که کودکان خردسال تر، کودکان داراي معلوليت و کودکانی که در شرايط بحراني زندگي مي کنند، آسیب پذير ترين گروه ها هستند. گزارش همچنين فقر پولي را بررسي مي کند؛ فقر پولي توانايي کودکان را در دسترسي به غذا، آموزش و خدمات سلامت محدود مي کند. طبق جديديترين داده ها، بيش از ۱۹ درصد کودکان در جهان در فقر شديد پولي زندگي مي کنند و با کمتر از ۳ دلار در روز گذران مي کنند. نزديک ۹۰ درصد اين کودکان، در آفريقاي جنوب صحرا و آسياي جنوبي اند. اين گزارش همچنين با بررسي ۳۷ کشور با درآمد بالا نشان مي دهد که حدود ۵۰ ميليون

نبود دسترسي به اينترنت، اين کودکان را با مشکل جدی مواجه مي کند و گاه براي دريافت سيگنال مجبور به پيمودن مسيرهاي طولاني مي شوند. همچنين کودکانی هم از داشتن ابزارهاي اتصال به اينترنت مانند تلفن همراه يا تبلت، محروم اند که خود مسئله اي عظيم و چالش برانگيز است،» اين معلم مي گويد مسئله ديگر، فقدان سرويس هاي بهداشتي مناسب در مدرسه است: «ساختمان ها و سرويس هاي فرسوده و کهنه، نبود آب گرم، به ويژه در فصول سرد، آسايش و آرامش کودکان را مختل مي کند و بر دشواري هاي روزمره آنان اضافه مي کند.» بحث کشاورزي و همراهي با بزرگ ترها، عامل ديگري است که به گفته او به گونه اي ناخودآگاه، بر فرايند تدريس دانش آموزان اثر مي گذارد: «چرا که اين امر ريشه در فرهنگ روستا و سنت هاي ورثايي دارد و بخش مهمي از ذهنيت آنان را به کار در مزارع معطوف مي کند، به ويژه در فصل هايی که فعاليت هاي کشاورزي اوج مي گيرد. اين موضوع اگر چه گاه تمرکز آموزشي را تحت تاثير قرار مي دهد، از سوي ديگر، براي کودکان جنبه اي از سرگرمي و شادابي هم دارد، زيرا حضور در طبيعت، آزادي و بازي گونه بودن فعاليت هاي کشاورزي، تجربه اي خوشايند و آموزنده براي آنان فراهم مي آورد.»

اين معلم از رنج مشترک اش با ديگر معلمان مناطق دور از مرکز مي گويد: «دردي وجود دارد که براي من شخصا سنگين تر و آزاردهنده تر است. شمار زيادي از کودکان از روستاهای دور دست و از ميان جاده هايی نامووار و ويران به مدرسه مي آيند؛ عده اي ناگزير قدم زن ان مسيرهاي طولاني را طی مي کنند و عده اي ديگر روی ترک موتور پدران شان، راهي پر خطر را پشت سر مي گذارند. هر دو مسير، دشوار و گاه آميخته با تهديد و بيم است. اگر بتوان براي اين کودکان راه حلي پايدار، همچون اختصاص سرويس رفت و آمد يا پرداخت هزینه هاي لازم براي استفاده از خودروهاي جمعي فراهم آورد، بخشي بزرگ از رنج روزانه آنان کاسته مي شود و امنيت و آرامش بيشتر ي در مسير تحصيل شان شکل مي گيرد.»

به گفته او بزرگ ترين حقی که از دانش آموزان گرفته مي شود، حق دسترسي به آموزش با کيفيت و امکانات متناسب با نيازهايشان است: «کودکان، به ويژه در روستاهای محروم، از ابزارهاي آموزشي مدرن، دسترسي به اينترنت، سرويس هاي بهداشتي مناسب، فضاي سالم و منابع علمي محروم اند؛ حقيقي که نه تنها امکان يا ديگري عميق و کامل را محدود مي کند، بلکه رشد خلاقيت، کنجکاوي و تجربه زيستي آنان را هم به سختی مهار مي کند.»

▼ تعهداتی که هنوز اجرا نشده اند

هرسال هم زمان با روز جهاني کودک، فعالان حوزه کودکان از لزوم اجرائي شدن پيمان نامه جهاني حقوق کودک مي گويند؛ جامع ترين و پذيرفته شده ترين سند بين المللي درباره حقوق کودکان که حقوق کودک را، نه لطف دولتها، بلکه «حق ذاتي» اومي داند. اين پيمان نامه در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومي سازمان ملل تصويب شد و امروز تقريباً جهاني ترين معاهده حقوق بشري دنياست؛ زيرا همه کشورهاي جهان به جز امريکا آن را پذيرفته اند. مفاد پيمان نامه شامل حق آموزش را يگان و اجباري، حق مراقبت هاي بهداشتي، امنيت، بازي، هويت، حمايت در برابر خشونت، از دواج اجباري، کار کودک، استثمار جنسي، قاچاق، همچنين حمايت ويژه از کودکان پناهجو و مهاجر است. ايران هم در سال ۱۳۷۲ به پيمان نامه جهاني حقوق کودک پيوست، اما با يك شرط مهم؛ اجراء مفاد پيمان نامه، مشروط به «عدم تعارض با قوانين داخلي و موازين اسلامي» است. اين شرط عمومي موجب شده بسياري از مواد پيمان نامه در اجرا با چالش مواجه شوند، چون معيار تعارض با نداشتن تعارض مشخص و شفاف نيست و برداشت آن در اختيار دولت است. به همين دليل نهادهای ناظر بين المللي بارها از ايران خواسته اند اين شرط کلی را حذف يا محدودتر کند.

